

داستان یک روح

(شرح و متر کامل ہوف کور صادق ہدایت)

دکتر سیروس شمیسا



فهرست

- ۱- پیشگفتار ۷-۱۹
- ۲- داستان یک روح ۲۱-۱۴۸
- (مقدمه ص ۲۳، اشفاق ص ۲۶، موحود دوحسی ص ۲۹، اردواج حادوئی ص ۳۲، همه نک نمرید ص ۴۰، قدم ص ۴۵، ناسح و حضور انسان نوعی در همه زمان‌ها ص ۴۸، روان رنانه و روان مردانه ص ۵۳، اصل ناست ص ۵۸، اصل ناست در ارباط با مرگ ص ۶۰، معشوق، رن درون مرد ص ۶۱، اسطوره آدم و حوا ص ۶۲، مواجبه نا روح ص ۶۳، مواجبه نا خود سانه ص ۷۱، برسونا ص ۷۶، من نا خود ص ۷۷، جهان تاریکی و سرما ص ۷۸، ساحب بوف‌کور ص ۸۲، بوف‌کور از پانان آغار می‌شود ص ۸۶، ساحار سنکی بوف‌کور ص ۸۸، ریان رونه دیگر فکر ص ۱۰۴، کنک داسانی بوف‌کور ص ۱۰۶، در این داسان به‌صورت خلاصه چه امای می‌افتد ص ۱۱۲، بوخ کباب ص ۱۱۵، سمل ص ۱۱۶، ایران و هند ص ۱۱۹، آنس ناسرا ص ۱۲۰، عنوان کباب ص ۱۲۳، رد بوف‌کور در آثار دیگر هدایب ص ۱۲۷، مشابهنئی حری و ظاهری بوف‌کور نا آثار دیگران ص ۱۲۹، حرف‌ها و مضامین کباب ص ۱۳۳، ری ناسان ص ۱۳۶، اشکالات تاریخی ص ۱۴۰، تفسیر خود نویسنده ص ۱۴۱)
- ۳- بخش اول بوف‌کور ۱۵۰-۲۳۰
- ۴- بخش دوم بوف‌کور ۲۳۲-۳۲۷
- ۵- لغتنامه ۳۲۹-۳۴۳
- ۶- کتابنامه ۳۴۵-۳۴۹
- ۷- بهرست راهما ۳۵۱-۳۵۸

مقدمه

بوف‌کور داستانی است سوررئالیستی در آثار سوررئالیستی مطالب و وقایعی که در ورای (sur) واقعیات و حقایق (real) متعارف مطرح می‌شوند مشاء این مطالب - توهمات یا واقعیاتی دیگرگونه - ضمیر ناخودآگاه و یا به‌رمان غیرقوی، روح است در این گونه آثار با تطاهرات و تحلیلات ناخودآگاه روح (The unconscious manifestations of the soul) مواحهیم

سوررئالیسم در قرن بیستم در فرانسه تحت تأثیر یافته‌های سویی فروید در روان‌شناسی و روانکاوی اشاعه یافت اما در برخی از آثار که ادبی سیر می‌توان مایه‌هایی از آن را ردیابی کرد سوررئالیسم نوشتن آزاد بدون در نظر گرفتن هیچ قید و بندی حتی در حیطهٔ زبان است سوررئالیسم خواب دیدن در ستر کاعد است آثار سوررئالیستی انواع و اقسامی دارد، چنان که می‌توان بول‌های روانی و بول‌هایی را که به‌شیوهٔ «حریان سیال ذهن» نوشته شده‌اند با اندکی مسامحه از فروع آن محسوب داشت و به‌این اعتبار می‌توان به‌بوف‌کور بول روانی هم گفت

بدهی است که در بررسی آثاری از این دست که محصول فعالیت ذهن ناخودآگاه و یا روح است و در آن با سایه روشن‌هایی از محتویات لایه‌های مختلف ذهن ناخودآگاه فردی و جمعی و به‌عبارت دیگر اعماق روح مواحهیم باید از دیدگاه‌های نقد روان‌شناسانه (Psychological criticism) و نقد اسطوره‌گرا یا اساطیری (Myth criticism or Mythological criticism) یا نقد صور مثالی (Archetypal criticism) سود جست

الته بین روان‌کاو و منتقد ادبی فرق است روان‌کاوان و روانپزشکان در تحریر و تحلیل آثار هری روانی (شعر، نقاشی، داستان) بیشتر به‌شخصیت نویسنده و خالق،

به‌عنوان یک روان‌پزش و بیمار روانی توحه دارید اما منتقدان ادبی بیشتر به‌حسب‌های فکری و هنری خود اثر توحه دارند و می‌کوشند تا ریشه‌های اساطیری و فلسفی آن را تبیین کنند و نهایتاً تکیه آنان بر سوع حائق است و آراء او را نماینده آراء بشر کلی و نوعی و تاریخی قلمداد می‌کنند آنان می‌دانند که ادبیات، جهان محاکات است و فی‌المثل شاعری که هیچگاه دامن لب را به‌می‌نیالوده است می‌تواند به‌دقیق‌ترین نحوی عالم مستان را محاکات کند و گنگ حوایدیده‌یی به‌ربان بی‌ربانی حتی برای کران حکایت‌ها داشته باشد

الته این سخن به‌معنای آن نیست که به‌هیچ‌وجه و در هیچ موردی بین اثر و شخصیت و دهن بویسده از تناط نیست بلکه برعکس به‌قول مولانا عالم جو کرنائی و او در هرسکافس می‌دمد هربالهی دارد نفس، ران دو لب خون‌فد، فدا! مراد ما این است که روانکاوان محصراً به‌شخصیت بویسده و حائق اثر هنری توحه می‌کنند و تکیه منتقدان ادبی بیشتر به‌حسب‌های هنری و فلسفی خود اثر است این معیار در بررسی فروید از رمان برادران کاراماروف داستایفسکی به‌حسب ملاحظه می‌شود هرچند فروید در آغار بررسی خود از داستایفسکی ستایش می‌کند، اما در بخش‌های دیگر مقاله خود به‌سختی به‌او می‌تارد و روح او را سرشار از تمایلات حیانتکارانه می‌بیند فروید در اعتراض یکی از روانکاوان به‌این مقاله، اعتراف می‌کند که از داستایفسکی متهم است و می‌گوید که من مدت‌هاست که دیگر تحمل چنین بیماران روان‌پریشی را ندارم!

به‌نظر من قهرمان نوف‌کور (و بسیاری از داستان‌های دیگر روانی) یک قهرمان آرکی‌تایپی روانی (Psychological archetype) است به‌یک فرد بیمار روانی (Psychological abnormal individual) و باید در اعمال و افکار او به‌دنبال طرح‌های کلی اعمال و افکار شری در طی تاریخ درارپای حیات شری بود و از مو به‌پیچش مو رسید فلیپ سوپو سوررئالیست معروف فرانسوی درباره نوف‌کور درست گفته است که این کتاب سرروشت شری را خلاصه کرده است^۱

رابط بین اثر و روحیه و زندگی صاحب اثر چیزی نیست که در قرن اخیر بر اثر بحث‌های روان‌شناسانه مطمح نظر قرار گرفته باشد، بلکه چنین تمایلی از قدیم در بشر

وجود داشته است محققان کهن از جمله ارسطو از حاصیت حقیقت‌نمائی (Verisimilitude) آثار ادبی سخن گفته‌اند در آثار بررگ ادبی این حاصیت هست که خود را به‌حواسده می‌باوراند (to make believe)

دیدگاه‌های نقد روان‌شناسانه و اسطوره‌گرا و صور مثالی به‌هم بریدیکند و مخصوصاً در نقد اسطوره‌گرا، روان‌شناسی یونگ تأثیر عمده داشته است به‌طوری که گاهی می‌توان گفت - برحلاف آنچه در بادی امر به‌نظر می‌رسد - دیدگاه یونگی به‌نقد اساطیری بریدیک‌تر است تا به‌نقد روان‌شناسانه

به‌رحال ناید از همه این دیدگاه‌ها - و دیدگاه‌های مشابه دیگر - استفاده کرد و به‌کمک مجموع آن‌ها - که من به‌آن نقد حادثی می‌گویم - به‌سراع رمر و رار اثر ادبی و لایه‌های هرات توی روح رفت و محملی از مفصل را دید و محمل‌تری را نار گفت! من در این مقاله می‌کوشم به‌شیوه نقد حادثی (و عمدتاً تا کمک مصطلحات روان‌شناسی یونگی) فضای کلی اسرارآمیز نوف‌کور را بررسی کنم^۲ مهم‌ترین این اصطلاحات، اصطلاح آرکی‌تایپ Archetype است که می‌توان آن را به‌صور مثالی یا صور اساطیری یا صور هورقلیاویه یا صور ارلی و امثال آن ترجمه کرد و قسلاً به‌کهن الگو بیر ترجمه شده است Arche به‌معنی کهن و Type به‌معنی نوع است یعنی الگوها و اشکالی که از رمان‌های کهن در روان‌شعر وجود دارد و رفتارها و کردارهای او را تحت نمود و تسلط و کنترل خود قرار می‌دهد این صور هورقلیائی تصاویر یا الگوهای معنائی هستند که مکرراً در ادبیات، تاریخ، مذهب، فولکلور و انواع هم‌ها رح می‌نماید مشاء این صور دیرینه و اسطوره‌نهاد، ناحود آگاه جمعی ماست فعالیت آنان در قلمرو عرایر است و رار اشکال موروثی رفتارهای روانی ما در آنحاست مهم‌ترین آرکی‌تایپ‌ها، سایه (Shadow)، صورتک یا نقاب (Persona) و حواهر تکامل یا رن‌شانه موعود^۳ یعنی آئیما (Anima) است که از احراء روح موروثی^۴ انسان محسوب می‌شوند این هم‌راه‌های شری در روند کسب فردیت (individualization) نقش برحسته‌یی دارند در روند کسب فردیت، شخص خود را نار می‌شناسد و از دیگران متمایز می‌یابد

در آثاری که از روح (ناحود آگاه) نشأ گرفته است، هرچند ممکن است مسائل